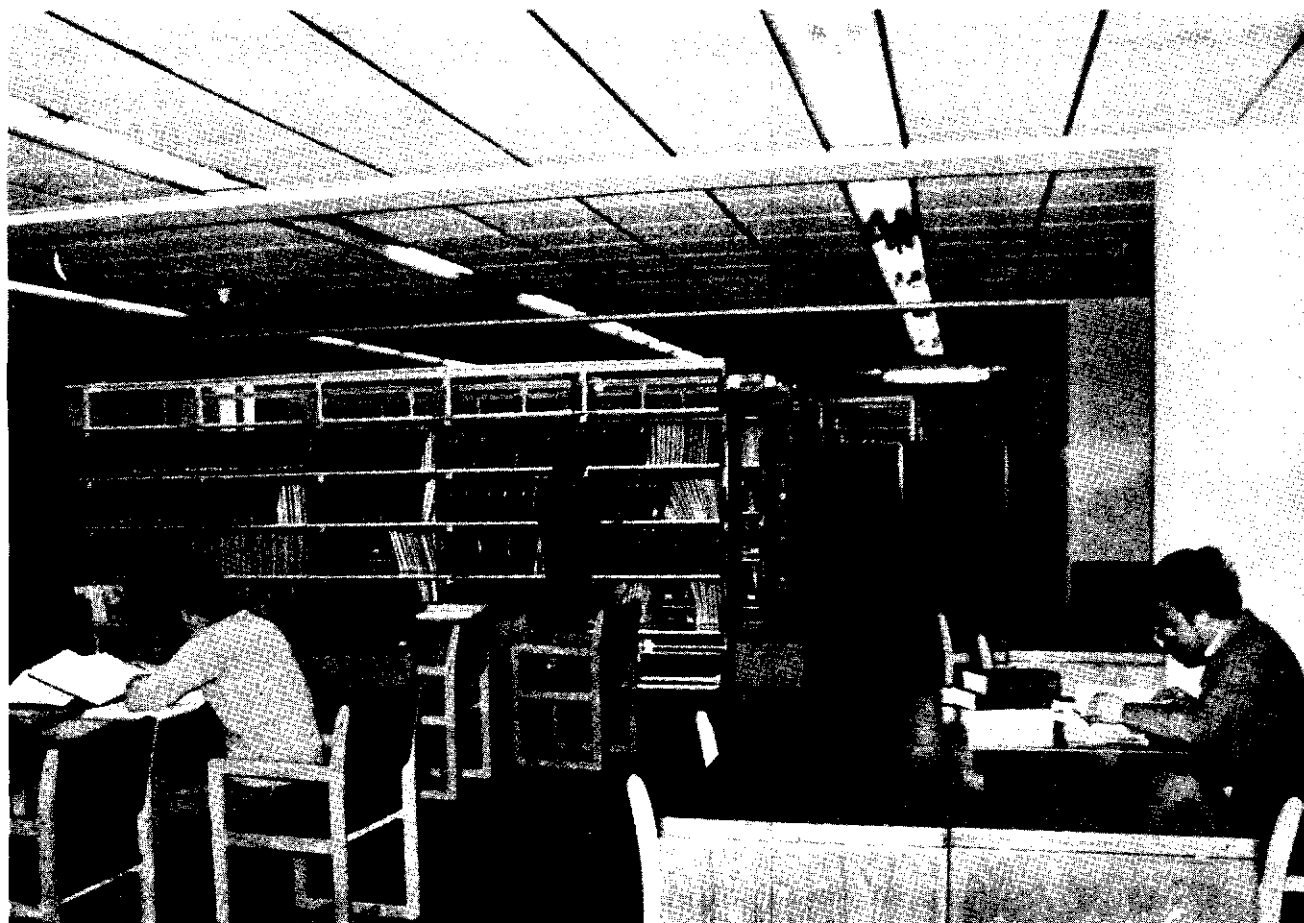




امیدوارم به همکاران عزیز برنخورد ولی به جرات می‌توان گفت: «از ماست که بر ماست». مربیان و مسئولان آموزش کتابداری ما بیشتر به خود اندیشیده‌اند تا به حرفه، و هر اقدامی را در جهت مصلحت‌بینی شخصی نموده‌اند نه منافع و مصالح رشته. بگذارید به عنوان نمونه نگاهی به مقاطع تحصیلی موجود بیندازیم. در برنامه اولیه، مقاطعی که برای این رشته ضروری تشخیص داده شد کاردانی و کارشناسی ارشد بود. کاردانی همان گونه که توسط گروه‌های پزشکی و کشاورزی برنامه‌ریزی شد و با موفقیت هم ادامه دارد، نه تنها مشکلی نیافرید بلکه بسیاری از تنگناهای نیروی انسانی این رشته را رفع کرد. اما در کتابداری چون اکتفا کردن به تدریس در دوره کاردانی برای برخی از مدرسان و متخصصان ما برخوردنده و ناگوار بود با اتکای به نیروهای فشار موجب توسعه برنامه و پیدایش کارشناسی ناپیوسته و پیوسته

در ارتباط با نظرخواهی آن نشریه، اجازه می‌خواهم قبل از پاسخ دادن به پرسشها به این مقدمه پردازم که مشکلات و مسائل کتابداری ایران، چه از بعد آموزشی و چه از لحاظ عملی، به صورت زنجیره‌ای وابسته به هم و اجزای آن متأثر از یکدیگرند. بنابراین، نمی‌توان به شکل مجزّد در آنها به غور و بررسی پرداخت. در نگاهی به وضعیت این رشته و منزلت کنونی آن در کشور، به راحتی می‌توان گفت که اگر کتابداری تنها رشته غریب نیست مسلماً یکی از رشته‌های غریبی است که تلاش می‌کند تا شاید موجودیتش را حفظ کند. نگاهی به وضع کتابخانه‌ها، مدیریت آنها، برخورد مسئولان با کتابداران، بویژه متخصصان، و بسیاری از پیامدهای آن که همه با آن آشنا هستیم نشان‌دهنده این غربت و شاید تلاشی است که برای استفاده از سپر «اطلاع‌رسانی» و جانشین کردن آن با واژه «کتابداری» می‌کنیم. اما چرا؟



سخت افزارها و نرم افزارها؛
د. وجود چند بانک اطلاعاتی بر روی CD یا به صورت
Online برای کار عملی و تسلط دانشجویان بر نحوه کاربری
آنها.

علاوه بر این، برای دروسی نظیر حفاظت و نگهداری
مواد، آرشيو، و نسخه های خطی و کیمیا باید حداقل امکان
کسب اطلاعات و تجربه عملی در مراکز ذیربط فراهم باشد.
۵. در میان مدرسان گروه های آموزشی، هستند افرادی که واقعاً
به حرفه ورشته می اندیشند و کسانی که برای کسب

گردیدند. بدون آنکه دلایل کافی، قاطع، و موجه برای نیاز کشور
به چنین برنامه هایی داشته باشند، آثار این گونه نگرش و فشار را
می توان در پیشنهادات مربوط به تغییر برنامه های موجود و در سطوح
عالی تحصیلی این رشته نیز به خوبی مشاهده کرد.

اما در مورد پرسشها:

۱. برنامه های مقاطع تحصیلی موجود با توجه به انواع کتابخانه ها
و دامنه فعالیت های مورد انتظار فراهم آمده و چنانچه به درستی
اجرا شود نسبت به برنامه های گذشته جامع تر و کامل تر است.
البته نواقصی دارد که پس از اجرا مشهود گشته اند و مسلماً
بازنگری و اصلاح را هم به صورت طولی و هم عرضی
می طلبد.

۲. آموزش کتابداری همانند بسیاری از رشته های دیگر نظیر
پزشکی، پرستاری و... از کارهای عملی تغذیه می کند. در
این رشته دانش نظری و عملی چنان به هم وابسته است که
نمی توان آنها را از یکدیگر تفکیک کرد. متأسفانه غالب
مدرسان این رشته به دلیل آنکه از محیط کتابخانه به دورند و
عملاً درگیر مسائل و امور آن نیستند با مشکلات آشنایی ندارند
و در نتیجه بین مطالب نظری، که براساس دانسته ها و
برداشت های کلی و ذهنی خویش تدریس می کنند، و
موقعیتهای ملموس و عینی کتابخانه ها فاصله زیادی وجود
دارد. به این جهت، دانشجویس از فراغت از تحصیل قدرت
استفاده از آموخته های خود را در محیط کار و رویارویی با
مشکلات ندارد. علاوه بر این، چون غالب مدرسان ما روش
تدریس را نیاموخته اند هر یک بنا به سلیقه شخصی خویش
شیوه ای را در پیش گرفته اند و چون هیچگونه ارزشیابی هم
وجود ندارد طبعاً تغییر یا اصلاح هم ضرورت پیدا نمی کند.

۳. در سطح کارشناسی به دلیل اینکه غالب مدرسان و
دانشجویان به جزوهای درسی و مطالب ارائه شده در کلاس
بسته می کنند شاید مشکلی پیش نیاید. اما، پاسخ واقعی این
سؤال را می تواند سرگردانی دانشجویان کارشناسی ارشد در
کتابخانه های گروه های کتابداری و اطلاع رسانی و خون
دلهایی که برای یافتن منابع مورد نیاز، بویژه برای تهیه
پایان نامه، می خورند بدهد.

۴. از جمله لوازم و تجهیزات ضروری و اجتناب ناپذیر موارد زیر
است:

الف. مجموعه ای کامل از ابزارها برای تدریس دروس
متعدد مرجع شناسی، سازماندهی مواد، تهیه و سفارش؛
ب. تجهیزات و مواد سمعی و بصری برای آشنایی عملی
دانشجویان با نحوه کاربرد آنها؛

ج. کامپیوتر و وسایل جانبی آن به تعداد کافی و
نرم افزارهای لازم برای آشنایی عملی دانشجویان با این





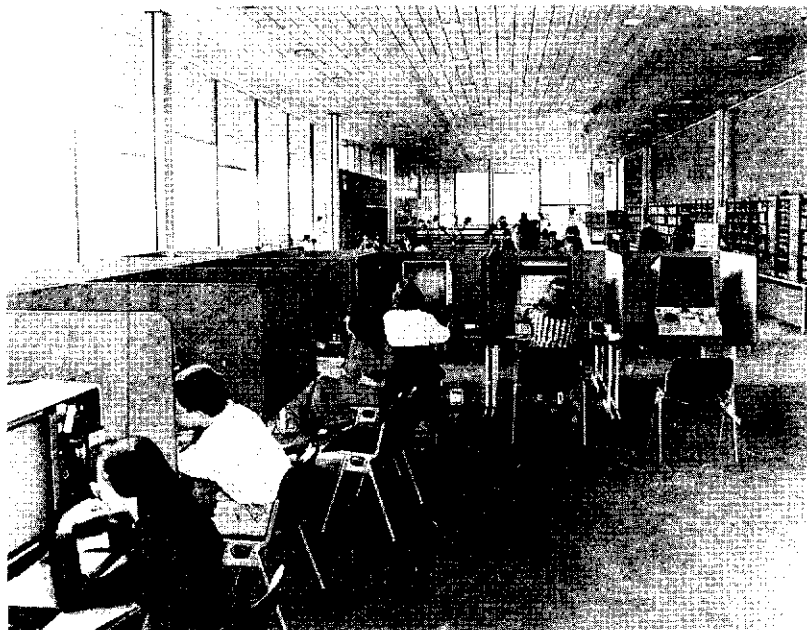
کتابداری و اطلاع رسانی را به عنوان یک رشته تخصصی و به عنوان یک حرفه زیر سؤال می برد و جایگاه آن را سست و منزلت می کند. آن کس که مسئول مستقیم این بی حرمتی و بی اعتنائی به رشته کتابداری و اطلاع رسانی است، مسئولان گروه های آموزشی و مدرسانی هستند که متأسفانه فراموش کرده اند رسالت و وظیفه شان چیست و فراموش کرده اند که «حرمت امامزاده را متولی آن نگاه می دارد».

علاوه بر این، جاذبه عضویت در هیأت علمی و مزایایی که به دنبال دارد از یک طرف و سهولت کار تدریس بدون ارزیابی و با مسئولیت کم، در مقایسه با اداره یک کتابخانه و دست و پنجه نرم کردن با انواع مشکلات و معضلات، موجب شده تا فارغ التحصیلان به کار تدریس رو آورند و با توسل به شگردهای مختلف به جمع مدرسان بپیوندند، بدون آنکه مایه تجربه کافی برای این امر خطیر داشته باشند. نمونه آن را می توان در گروه های متعدد کتابداری که روز به روز در حال ازدیادند، به وضوح مشاهده کرد.

۶. نظر به اینکه در آغاز تأسیس رشته کتابداری در ایران، جایگاه تشکیلاتی آن بر اساس مصلحت و اقتضا تعیین شد گروه های کتابداری زیر چترهای تشکیلاتی متفاوتی قرار گرفتند که شاید هیچ کدام چندان مناسبی با این رشته نداشته اند. تشکیل دو تا سه دانشکده که به طور جامع همه شاخه ها و مقاطع این رشته را دربرگیرد مناسبترین ساختار تشکیلاتی به نظر می رسد. البته منظور دانشکده هایی است که هر کدام با کادر مستقل و مجزای خود به آموزش بپردازند و امکان تربیت متخصصان توانا و رقابت سالم علمی را با سایر دانشکده ها فراهم آورند.

۷. در مقطع کارشناسی، به استثنای شاخه پزشکی، شرایط پذیرش دانشجویان از لحاظ مدرک تحصیلی یکی از عوامل مهم در تجمع دانشجویان در شاخه علوم انسانی و اجتماعی کتابداری و اجرا نشدن شاخه های دیگری اندک بودن خواستاران سایر شاخه ها است. نکته دیگر اینکه معمولاً رشته کتابداری جزو آخرین انتخابهای داوطلبان کنکور است و بدین جهت غالباً کسانی پذیرفته می شوند که امتیاز کافی برای ورود به سایر رشته ها را نیاورده اند و به عبارت دیگر، از توان علمی بالایی برخوردار نیستند.

در مقطع کارشناسی ارشد، با توجه به هدف برنامه که تربیت متخصص و مدیر است، نحوه آزمون مناسب به نظر می رسد. آنچه ایجاد اشکال می کند پذیرش افرادی است که بر اساس ملاحظات و مقررات خاص وارد برنامه می شوند. لازم است به این نکته توجه شود که کتابداری ایران در طول عمر ۲۷ ساله خود فارغ التحصیلان بسیاری داشته است، اما



محبوبیت فقط شعار آن را می دهند و بین حرف و عمل فرسنگها فاصله دارد، کسانی که در تلاش ارتقای کیفی و کمی این رشته هستند و آنان که از این عنوان به صورت پله پرتاب برای به دست آوردن قدرت یا قبضه بسیاری از مسئولیتها — که شایستگی آن را دارند یا ندارند — استفاده می کنند.

اگر به مدرسان این رشته منصفانه، واقع بینانه، و به دور از هرگونه تعصب و جهت گیری نظر بیفکنیم، معدودند افرادی که توانایی و علاقه مندی به تدریس را دارند و بر اساس استانداردهای علمی حاصل کارشان مثبت و مفید ارزیابی می شود. در اینجا منظور از ارزیابی، صرفاً ارزیابی توسط دانشجویان نیست چون ملاحظات و دلایل متعددی آن را مخدوش می سازد، بلکه منظور ارزیابی فارغ التحصیلان در محیط کار و در برخورد با مشکلات و حل آنهاست.

مدرسان این رشته اولین کسانی هستند که هویت رشته — یا به عبارتی هویت خود — را به زیر سؤال برده اند. نمونه آن را می توان در برخوردشان با پایان نامه های دانشجویان کارشناسی ارشد دید. پذیرش پایان نامه هایی در زمینه های غیر کتابداری، آن هم با امتیازات عالی، و گذاری راهنمایی پایان نامه ها به غیر کتابداران و متخصصانی از هر رنگ و رشته و تخصص، داوری پایان نامه ها — یا به عبارت دیگر داوری کار کتابداران متخصص — توسط افرادی که حتی الفبای رشته را نمی دانند و مسائل بسیار دیگری از این قبیل ماهیت





کنند؟ برای ایجاد رابطه با دیگران باید خود را به آنها بشناسانیم و برای این شناساندن باید اول خود را بشناسیم.

۱۱. چنانچه درست اجرا شود بخش عمده‌ای از نیاز کتابدارانی را که وارد بازار کار می‌شوند پاسخ می‌دهد. بخش دیگری از آن که کار با کامپیوتر و استفاده از تکنولوژی اطلاعات است مستلزم بازنگری در برنامه‌های موجود و سرمایه‌گذاری مناسب و کافی از سوی مسئولان است.

۱۲. اقدامات زیر برخی به صورت مستقیم و برخی غیرمستقیم می‌توانند بر بهبود آموزش این رشته تأثیر داشته باشند:

- آموزش روش تدریس به مدرسان؛
- آموزش روش تحقیق به مدرسان؛
- روزآمد کردن اطلاعات مدرسان از طریق برنامه‌های سخنرانی، سمینار و انتشار مجلات علمی؛
- برنامه‌ریزی مقاطع تحصیلی و اجرای آنها براساس نیاز کشور و دانشجویان؛
- سرمایه‌گذاری کافی برای آموزشهای عملی و تقویت منابع کتابخانه‌ای؛
- مقید کردن مدرسان به انجام پژوهش به عنوان بخشی از وظایف هیأت علمی؛
- جدی گرفتن کار پایان‌نامه دانشجویان و ایجاد انگیزه و روح تحقیق در آنها؛
- اشاعه اخلاق کتابداری، مبارزه با جاه‌طلبیها و یکپارچه‌سازیها.



معدودی از آنها مدیریت کتابخانه‌ها را به عهده داشته و دارند. عوامل متعددی در این امر دخالت داشته که از جمله می‌توان ضعف در تحلیل مسائل و چاره‌اندیشی و نیز تصمیم‌گیری صحیح را نام برد. در اغلب موارد با مسائل از دیدگاه صرفاً تخصصی کتابداری برخورد شده که با شکست مواجه شده است. این ضعف را باید با جذب افرادی با بنیة علمی بیشتر و توان مدیریت قویتر جبران کرد. چنانچه فارغ‌التحصیلان کارشناسی کتابداری چنین بنیه و توانی داشته باشند مطلوب است و مسلماً هم پذیرفته خواهند شد. اما نباید صرفاً به دلیل وجود کارشناس کتابداری درها را به روی نیروهای بالقوه خوب ببندیم و به ارتقای کیفی این رشته نیندیشیم. شاید با اجرای درست شاخه‌های مختلف کتابداری و فارغ‌التحصیل شدن دانشجویان این شاخه‌ها بخش عمده‌ای از این کمبود رفع شود و تجدیدنظر در نحوه برگزاری آزمون را طلب کند.

۸. در برنامه‌های آموزشی کتابداری چون مسئولیتها و اهداف مشخص و تفکیک شده نیست هر سازمانی بنا به نیاز و سلیقه خود اقدام به برگزاری دوره‌های کوتاه مدت می‌کند که شاید بسیاری از آنها تکرار دروسی از برنامه رسمی کتابداری است و تنها معدودی به پر کردن شکافهای اطلاعاتی و روزآمد کردن اطلاعات کتابداران می‌پردازد. دوره‌های بلند مدت هم که عمدتاً به نام دوره‌های کاربردی اجرا می‌شوند همان برنامه‌های مقاطع تحصیلی موجود است که با هدفی متفاوت، یا شاید هم نتیجه‌ای متفاوت، یعنی باز شدن راه تحصیل برای گروهی خاص، اجرا می‌شوند. به این ترتیب مباحثی که می‌تواند و جا دارد در دوره‌های کوتاه مدت تدریس شود بدون متولی است و برخی نظیر کامپیوتر توسط سازمانهای دولتی و خصوصی، بدون توجه به نیاز کتابداران ارائه می‌شود که طبعاً دردی را درمان نمی‌کند.

۹. گروههای آموزشی کتابداری هرکدام باید به طور مستقل و بدون نیاز به یکدیگر خود را اداره کنند. در غیر این صورت، نیازی به ایجاد گروههای آموزشی متعدد نیست. استقلال هر گروه موجب رقابت سالم بین آنها و ایجاد تفکری متفاوت در دانشجویان و فارغ‌التحصیلان می‌شود که این لازمه پویایی رشته است. در عین حال، ارتباطهای علمی و تحقیقاتی بین گروهها — نه وابستگی و سرسپردگی — برای ادامه حیات و ایجاد هماهنگی در برنامه‌ها ضروری است.

۱۰. وقتی گروههای کتابداری هنوز نتوانسته باشند میان خود روابط صحیح و سالمی برقرار کنند چگونه قادر خواهند بود با سایر گروههای دانشگاهی رابطه‌ای صحیح و سالم ایجاد